

سالروز خاتم بخشی علي (ع) در حال نماز است

روز 24 ذي الحجه يكي از زيباترين خاطرات را در فرهنگ شيعه به ياد مي آورد؛ روزي كه اميرمؤمنان علي عليه السلام با ايتار انگشتر خويش در حال نماز به يك نيازمنده، گوي سبقت را از مسلمانان حاضر در مسجد ربود ...



پاسخ به شبهاتي پيرامون آيه ولايت
سالروز خاتم بخشی علي (ع) در حال نماز است

گردآوری و تنظيم: رضا صابري خورزوقي

روز 24 ذي الحجه يكي از زيباترين خاطرات را در فرهنگ شيعه به ياد مي آورد؛ روزي كه اميرمؤمنان علي عليه السلام با ايتار انگشتر خويش در حال نماز به يك نيازمنده، گوي سبقت را از مسلمانان حاضر در مسجد ربود و شايسته تجليل و تقدير حضرت حق قرار گرفت و به دريافت مدال آيه ولايت از سوي پيك وحی مفتخر گرديد.

**** بنابر يكي از روايات، ماجرا از اين قرار است**

عبدالله بن عباس ماجرا را اين گونه روايت کرده است:

روزي در کنار چاه زمزم نشسته بودم و براي مردم از پيامبر صلي الله عليه وآله حديث نقل مي کردم. در آن حال، ابوذر غفاري به نزد ما آمد و با صداي رسايي گفت: اي مردم! من از پيامبر صلي الله عليه وآله شنيدم كه فرمود: "عَلِيٌّ قَائِدُ الْبَرَّةِ وَقَاتِلُ الْكُفَرَةِ مَتَّصِرٌ مِّنْ تَصَرُّةٍ مَّخْذُولٍ مِّنْ حَدَثِهِ؛ علي عليه السلام رهبر نيكوکاران است و كشنده كافران. هر كس او را ياري كند، ياري خواهد شد و هر كس به او اهانت كند، خوار خواهد گشت."

آن گاه ابوذر سخنانش را چنين ادامه داد: اي مردم! روزي از روزها با رسول خدا صلي الله عليه وآله در مسجد نماز ظهر را خواندم. بعد از نماز، نيازمندي بلند شد و از مردم ياري خواست، كسي به او چيزي نداد. او دستانش را به سوي آسمان بلند كرد و عرضه داشت: خدايا! تو خود گواه باش در مسجد رسول الله صلي الله عليه وآله از مسلمانان ياري خواستم، اما كسي به من پاسخ مثبت نداد. در اين موقع، علي عليه السلام در گوشه اي از مسجد در حال ركوع نماز بود كه با انگشت كوچك دست خود كه انگشتر ي در آن بود به سائل اشاره كرد و سائل نزديك آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بيرون آورد.

رسول خدا صلي الله عليه وآله كه در حال نماز شاهد اين ماجرا بود، وقتي نمازش را تمام كرد، رو به سوي آسمان نمود و عرضه داشت: خداوندا! برادر من موسي از تو درخواست نمود كه: پروردگارا! به من سعه صدر عنايت كن و كارهائيم را سهل و آسان نما و گره از زبانه بگشا و سخنانم را روان و راحت گردان! و همچنين موسي عليه السلام تقاضا كرد كه: خدايا! برادر من هارون را وزير و ياور من قرار بده! و به وسيله برادر من نيرومند گردان و او را در كارهائيم شريك فرما!

آن گاه پيامبر صلي الله عليه وآله فرمود: خداوندا! من نيز محمد پيامبر و برگزيده تو هستم. خدايا! از تو درخواست مي كنم كه سينه ام را گشاده گرداني و كارهائيم را آسان كني و از ميان خانواده ام، علي را به عنوان وزير و پشتيبان من قرار دهی! ابوذر در ادامه گفت: هنوز دعاي پيامبر صلي الله عليه وآله تمام نشده بود كه حضرت جبرئيل نازل شد و گفت: يا محمد! بخوان! پيامبر صلي الله عليه وآله پرسيد: چه بخوانم؟ گفت بخوان: "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ"؛ "همانا رهبر و سرپرست شما خداست و رسول او و كساني كه ايمان آورده اند؛ آنان كه نماز اقامه مي كنند و در حال ركوع زكات مي پردازند." (مجمع البيان، ج 3، ص 210)

اين روايت را گذشته از منابع شيعه بسياري از اهل تسنن نيز نقل کرده اند و آيه شريفة را درباره اميرمؤمنان علي عليه السلام مي دانند. علامه شيخ عبدالحسين اميني شصت و شش نفر از دانشمندان اهل حديث و استوانه هاي روايي اهل سنت را با نام و نشاني دقيق كتابهايشان فهرست کرده و متن حديثي را كه حاوي انطباق آيه مذکور با شخص علي عليه السلام است از انس بن مالك نقل مي كند و در آخر مي افزايد: "مضمون اين حديث در اين كتابها موجود است و همه آنها تصريح دارند كه اين آيه در مورد خاتم بخشی حضرت اميرمؤمنان علي عليه السلام در مسجد نبوي نازل گرديده است." (الغدير، ج 3، ص 162)

اين مسئله آن قدر معروف و مشهور مي باشد كه بسياري از شعراي فارس و عرب در مورد آن شعرها سروده و قصيده ها گفته اند. حسان بن ثابت قصيده معروف خود را اين گونه سرود و به محضر علي عليه السلام تقديم داشت:

أَبَا حَسَنٍ تَقْدِيكَ نَقْصِي وَمَهْجَتِي وَكُلُّ بَطِيئَةٍ فِي الْهَدْيِ وَمُسَارِعُ

"اي ابا الحسن! جانم و قليم فدائي تو باد! و جان و دل هر كس كه در راه هدايت تند يا كند گام بر مي دارد، فدائيت باد!"

أَيُّدَهُبُ مَدْحِي وَالْمُحِيطِينَ ضَائِعًا وَمَا الْمَدْحُ فِي ذَاتِ اللَّهِ بِضَائِعٍ

"آيا مدح من و دوستان تباه خواهد شد؟ نه، هرگز مدحي كه در راه خدا انجام شود، تباه و ضايع نمي گردد."

فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ أَنتَ رَاكِعٌ فَدَتْكَ نَفْسُ الْقَوْمِ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ

"تو يي آن كس كه در هنگام ركوع بخشيدي! جان همه مسلمانان به فدائيت اي بهترين ركوع كننده!"

بِخَاتَمِكَ الْمَيِّمُونَ يَا حَيَّرَ سَيِّدٍ وَيَا حَيَّرَ شَارِثٌمَّ يَا حَيَّرَ بَائِعٍ

"انگشتری مبارکت را [تو در راه خدا بخشیدی] ای بهترین آقا و ای بهترین خریدار و بهترین فروشنده."

فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ حَيَّرَ وَلايَةً وَبَيَّتَهَا فِي مُحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ (الغدیر، ج3، ص162)

"خداوند متعال نیز در حق تو بهترین [آیه را که] آیه ولایت [است] فرستاد و در محکمت شرائع آن را بیان نمود."

شعراي فارسي زبان نیز شعرها سروده و خطابه‌ها ایراد کرده‌اند که دو بیت را می‌آوریم:

ناصر خسرو:

آنچه علي داد در رکوع فزون بود

ز آن که به عمري بداد حاتم طائي

ابن یمین:

مرتضي را دان وليّ اهل ايمان

تا ابد چون ز ديوان ابد دارد

مثال "انما"

علیرغم اینکه شصت و شش نفر از دانشمندان اهل حدیث و استوانه‌های روایی اهل سنت متن حدیثی را که حاوی انطباق آیه مذکور با شخص علي عليه‌السلام است نقل کرده‌اند، برخی از افراد شبهاتی را نسبت به مفاد و شأن نزول آن مطرح کرده‌اند که ذیل آن‌ها را بررسی می‌کنیم

***** 1 - تناسب آیه ی ولایت با سیاق

ممکن است، گفته شود، معنای ولایت با سیاق آیه سازگار نیست؛ زیرا صدر و ذیل آیه ی مورد بحث درباره ی سرزنش دوستی با کفار است؛ پس علي القاعده باید مراد از ولایت، در آیه ی مورد بحث هم همان معنا باشد تا دوگانگی در مفاد لازم نیاید .

جهت حل این شبهه نخست مناسب به نظر می رسد، آیات مربوط ذکر شود . آن آیات از این قرار است:

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اولیاء، بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهْدی القوم الظالمین
فتري الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم، یقولون نخشی ان تصیینا دائرة فعیسی الله ان یاتی بالفتح او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین و یقول الذین آمنوا اهؤلاء الذین اقساموا بالله جهد ایمانهم، انهم لمعکم، حبطت اعمالهم فاصبحوا خاسرین
یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه، اذلة علی المؤمنین، اعزة علی الکافرین، یتجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم، ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین (احزاب، 51- 57)

ای مؤمنین یهود و نصاری را برای خودتان ولی قرار ندهید . آنها بعضی شان اولیاء بعضی دیگرند . هر کس از شما آنها را برای خود ولی قرار بدهد، از آنان است . خدا ستمگران را هدایت نمی کند .

می بینی آنهايي را که در دل هایشان بیماری است، در دوستی با آنان شتاب می کنند . می گویند: می ترسیم برای ما حادثه ی ناگوار اتفاق بیافتد؛ ولی امید این که خدای تعالی از جانب خود پیروزی یا چیز دیگری بیاورد و در نتیجه از آنچه در دل پنهان کرده بودند، پشیمان شوند .

ایمان آورندگان گویند: آیا اینها به خدای متعال سوگند محکم می خوردند که با شما هستند؟ اعمال اینها تباه شده، زیانکار گردیدند . ای ایمان آوردندگان هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدای تعالی گروهی را می آورد که آنان را دوست داشته و آنان نیز او را دوست دارند . اینان نسبت به مؤمنان فروتن و نسبت به کافران سرافرازند؛ در راه خدای تعالی جهاد کرده، به ملامت هیچ ملامت گری اهمیت نمی دهند . این فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد می دهد، خدای تعالی گشایشگر داناست .

تنها ولی شما خدا و رسولش و کسانی اند که ایمان آورده اند؛ کسانی که نماز را بر پا داشته و در حالی که در رکوع هستند، صدقه می دهند و هرکس خدا و رسول خدا و مؤمنین را ولی خود قرار دهد، پیروز است؛ زیرا که حزب خدا پیروزمندند .

ای ایمان آوردندگان آنهايي را که دین شما را مورد مسخره و بازی قرار داده اند، ولی خودتان قرار ندهید؛ چه آنها که قبل از شما برایشان کتاب آمده و چه آنها که کافرنند، هیچ کدام را اولیای خویش قرار ندهید و از خدا بترسید، اگر ایمان دارید .

چنان که ملاحظه می شود، در این آیات در چند جا از ولایت سخن به میان آمده است . اشکال کننده با توجه به آنها چنین گفته است: در همه اینها قطعاً مراد از ولایت، محبت و دوستی است؛ پس به قرینه ی آنها در "انما و لیکم الله " هم باید به معنای دوستی باشد؛ ولی این استدلال از چند جهت مخدوش و باطل به نظر می رسد:

اولاً از کجا معلوم که ولایت در این آیات به معنای دوستی است و به معنای سرپرستی نیست؟!

چرا آیه ی "انما و لیکم الله " را برای آن آیات قرینه نگیریم؟!

در این آیات شواهد چندی وجود دارد بر این که ولایت در آنها به معنای سرپرستی است که اینک ذکر می گردد:

الف - خدای تعالی در آیه ی 54 می فرماید: "من یرتد منکم عن دینه "؛ یعنی هرکه آنها را بر خود ولی قرار دهد، از دین خود خارج شده و مرتد گردیده است . آیا صرف دوست داشتن کفار انسان را مرتد می کند یا زعیم و سرپرست قرار دادن آنها چنین است؟

ب - شاهد دیگر این که در آیه ی 56 یعنی در آیه بعد از "انما ولیکم الله " بار دیگر از ولایت خدا و رسول خدا و مؤمنین سخن گفته،

می فرماید: هرکه آنها را ولی قرار دهد، حزب شان، حزب خداست و حزب خدا همیشه پیروز است. تعبیر "حزب الله" ولایت را در "انما ولیکم الله" تفسیر کرده، اشاره دارد بر اینکه مراد از آن زعامت و سرپرستی است؛ نه محبت و دوستی.

اینها همگی شاهدند بر این که آن ولایت ها به معنای سرپرستی است نه دوستی و محبت. لاقلاً احتمال دارد که به معنای دوستی نباشد و احتمال، استدلال را باطل می کند.

ثانیاً بر فرض قبول این که ولایت در آن آیات به معنای دوستی باشد، مع ذلک قراین مورد نظر اشکال کننده صلاحیت صارفیت ندارد؛ زیرا ائمه ی معصومین علیهم السلام با آیه ی "انما ولیکم الله" بر اولی بالتصرف بودن استدلال کرده اند و استدلال آنان حجت است؛ از این رو سیاق نمی تواند، در قبال همچو حجتی بایستد و بر فرض امکان تعارض، دلیل بر سیاق مقدم است؛ زیرا معلوم نیست که این آیات طبق ترتیب نزول مرتب شده باشد و نظایر آن در آیات قرآن فراوان است. برای مثال در آیه ی تطهیر با این که سیاق دلالت دارد بر این که مراد از اهل بیت زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی روایات معتبر مراد از آن را اهل کساء شمرده است.

نتیجه این که مراد از ولایت در آیه ی "انما ولیکم الله" اولی بالتصرف بودن است و سیاق با آن مخالف نیست و به فرض مخالفت تقدم از آن دلیل و نص است. (المراجعات، پیشین، ص 165)